

معنی کلمات درس هشتم عربی دهم انسانی

طُيُور: پرندگان «مفرد: طَیْر»	بَلَى: آری	أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد
عَرَفَ: معرفی کرد	تَجَمَّعَ: جمع شد	أَرشَدَ: راهنمایی کرد
عَزَمَ: تصمیم گرفت	جَمَاعَى: گروهی	أَرْضَعَ: شیر داد
غَنَى: آواز خواند	حَادَ: تیز	أَعْلَى: بالا، بالاتر
قَفَرَ: پرید، جهید	دَوَّرَ: نقش	أَنُوفَ: بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
لَبَّوْهُ: پستاندار	ذَاكِرَه: حافظه	أَوْصَلَ: رسانید
كَذَلِكَ: همین طور	سَمَكُ الْفَرَسِ: کوسه ماهی	بَحَارَ: دریاها «مفرد: بَحْر»
مُنْقَذَ: نجات دهنده	صَفَرَ: سوت زد	بَكَى: گریه کرد
مُوسِوَعَه: دانشنامه	ضِعْفَ: برابر در مقدار «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»	بَلَغَ: رسید

جواب درست نادرست صفحه ۱۰۸ عربی دهم انسانی

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخُطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

درست و غلط را طبق متن درس مشخص کن

۱- الدَّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا. درست ☒

معنی: دلفین از حیوانات پستانداری است که پچه‌هایش را شیر می‌دهد.

۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْفَرَسِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلَامِ. نادرست ☒

معنی: کوسه ماهی در جنگ و صلح نقش مهمی را ایفا می‌کند.

۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. نادرست ☒

معنی: شنوایی انسان ده برابر شنوایی دلفین است.

۴- سَمَكُ الْفَرَسِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ. نادرست ✗
معنی: کوسه ماهی دوست انسان در دریاها است.

۵- سَمَكُ الْفَرَسِ عَدُوُّ الدَّلَافِينَ. درست ✓
معنی: کوسه ماهی دشمن دلفین ها است.

۶- لِلدَّلَافِينَ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ. درست ✓
معنی: دلفین ها دماغ تیزی دارند

جواب صفحه ۱۱۲ عربی دهم انسانی

أَعَرِبَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةَ.

کلمات رنگی را بیان کنید.

۱- أَلْعَلُّمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. أَلْعَلُّمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ.

معنی: دانش بهتر از پول است. علم از شما محافظت می کند و شما نگهبان مال هستید.

خَيْرٌ: خبر و مرفوع به تنوین رفع

أَلْعَلُّمُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

كَ: مفعول و مبنی

الْمَالُ: مفعول و منصوب به فتحه

۲- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالأَصْلِ وَالنَّسَبِ.

معنی: انسان با علم و ادب، نه با اصل و نسب، ارزشمند است.

شَرَفٌ: مبتدا و مرفوع به ضمه

أَصْلٍ: مجرور به حرف جر

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

یک کلمه مناسب را در جای خالی قرار دهید.

✓	مُنْظَمَةٌ	مُنْظَمَةٌ	۱- اَلْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي اَلْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.
✓	اللَّهُ	اللَّهُ	۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
✓	هَجْرٌ	هَجْرٌ	۳- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ.
	الشَّجَرُ	✓ الشَّجَرُ	۴- اَلْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا ثَمَرٍ.
	نِصْفَانِ	✓ نِصْفَانِ	۵- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى
	اَلْمُسْلِمِينَ	✓ اَلْمُسْلِمُونَ	۶- خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ

۱- اَلْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي اَلْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. مُنْظَمَةٌ - مُنْظَمَةٌ ✓
عربی از زبان های رسمی در سازمان ملل متحد است.

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ - اللَّهُ ✓
محبوب ترین بندگان خداوند نزد او سودمندترین آنان برای بندگان است.

۳- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ. هَجْرٌ - هَجْرٌ ✓
به راستی من از فراق تو روزگار را مانند قیامت دیدم.

۴- اَلْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا ثَمَرٍ. الشَّجَرُ - ✓ الشَّجَرُ
عالم بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

۵- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ - ✓ نِصْفَانِ
سعید مزرعه را به دو نصف تقسیم کرد.

۶- خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ اَلْمُسْلِمِينَ - ✓ اَلْمُسْلِمُونَ
یک پنجم از ساکنان جهان از مسلمانان هستند.

جواب صفحه ۱۱۳ عربی دهم انسانی

تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

این جملات را ترجمه کنید

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

معنی: پروردگارا مرا بر پا دارنده نماز قرار ده.

۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامِهِ الْفَرَائِضِ.

معنی: همانا خداوند مرا به مدارا کردن با مردم دستور داد، همان‌گونه که مرا به برپاداری واجبات دستور داد.

۳- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوراً وَاجْعَلْنِي صَبُوراً وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيراً وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيراً.

معنی: خدایا مرا شاکر و صبور قرار ده و مرا در چشم خود کوچک و در چشمان مردم بزرگ قرار بده.

ترجمه حواری صفحه ۱۱۳ عربی دهم انسانی

مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

با مدیر داخلی خدمات هتل

مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ معنی: مسئول پذیرش	السَّائِحُ معنی: گردشگر
السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرَفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟ معنی: آقای دمشق‌ای مدیر داخلی خدمات اتاق‌های هتل است. مشکل چیست؟	عَفْوَ! مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفِ الْغُرَفِ وَالْحِفَافِ عَلَيْهَا؟ معنی: ببخشید، چه کسی مسئول تمیز کردن اتاق‌ها و نگهداری از آن‌هاست؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، إِسْتِرْحَاحًا، سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ. معنی: از شما معذرت می‌خواهم، لطفاً استراحت کن با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت	لَيْسَتْ الْغُرَفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ. معنی: اتاق‌ها تمیز نیستند و کمبودهایی در آن‌هاست.
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَنْصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُنْهَدِسَ الصِّيَانَةَ. معنی: مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس می‌گیرد و مدیر داخلی همراه مهندس تعمیرات می‌آید.	
السَّائِحُ معنی: گردشگر	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ معنی: مدیر داخلی خدمات هتل
لَيْسَتْ غُرَفَتِي وَ غُرَفُ زَمَلَانِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ. معنی: اتاق من و اتاق همکارانم تمیز نیستند و در آنها کمبودهایی است	مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟! معنی: دوست من، مشکل چیست؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ، معنی: در اتاق اول یک تخت شکسته است، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ، معنی: و در اتاق دوم ملافه کم است وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَفِّفُ لَا يَعْمَلُ. معنی: و در اتاق سوم کولر کار نمی‌کند.	سَيَأْتِي عَمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟ معنی: کارگران نظافت (نظافتچیان) خواهند آمد و مشکلات دیگر چیست؟

تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!

معنی: چشمت بی‌بلا

نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.

معنی: از شما عذرخواهی می‌کنیم. همه‌چیز را به سرعت تعمیر خواهیم کرد؛ بر روی چشمم.

جواب تمرین صفحه ۱۱۵ درس ۸ عربی دهم انسانی

♦ تمرین یک_ الاول

عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

جمله درست و نادرست را با توجه به حقیقت و واقعیت معین کن.

۱ - عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكِبْرِيَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. درست ✓

معنی: هنگامی که جریان برق در شب قطع می‌شود همه جا در تاریکی فرو می‌رود.

۲ - الْأَطَاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْأَمَانِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ تَلْجِيئِهِ. نادرست ✗

معنی: طاووس از پرندگان آبی(آبزی) است که بالای کوه‌های برفی زندگی می‌کند.

۳ - الْمَوْسُوْعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ. نادرست ✗

معنی: دانشنامه، واژه‌نامه‌ای بسیار کوچک است که اندکی از دانش‌ها را جمع می‌کند.

۴ - الْأَنْفُ غَضُو النَّفْسِ وَ الشَّمِّ. درست ✓

معنی: بینی: عضو تنفس و بویایی است.

۵ - الْأُخْفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. درست ✓

معنی: خفاش: پرنده‌ای از پستانداران است.

♦ تمرین دوم_ الثانی

عَيْنُ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ.

کلمات مترادف و متضاد را معین کن

سَاحِلٌ	بَعْدَ	ضَوْءٌ	أَقَلُّ	كِبَارٌ	بَغَى	أَرْسَلَ	شَاطِئٌ	صِغَارٌ	بَعَثَ
سَتَرٌ	اِسْتَلَمَ	كَتَمَ	فَجَأَهُ	دَفَعَ	قَرُبَ	بَغَتْهُ	أَكْثَرَ	ظَلَامٌ	صَحِكَ

پاسخ:

بَغَتْهُ = فَجَأَهُ

ناگهان

بَعَثَ = أَرْسَلَ

فرستاد

شَاطِئٌ = ساحل ساحل	كَتَمَ = سَتَرَ پنهان کرد / پوشاند
ضَوْءٌ = ظلام نور / تاریکی	صِغَارٌ = كِبَارٌ کوچک‌ها / بزرگ‌ها
دَفَعَ = اسْتَلَمَ پرداخت کرد / دریافت کرد	بَغَى = ضَجَّكَ گریه کرد / خندید
بَعْدُ = قَرُبَ دور شد / نزدیک شد	أَقَلُّ = أَكْثَرُ کمتر / بیشتر

جواب تمرین صفحه ۱۱۶ درس ۸ عربی دهم انسانی

♦ تمرین سوم _ الثالث

ترجم آیات و الحدیثین، ثُمَّ ضَعَّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ، وَ اذْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ.
آیات و حدیث زیر را ترجمه کن سپس زیر جار و مجرور خطی بکش و علامت اعراب آن را معین کن.

۱- ﴿وَ ادْخُلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

معنی: و آنان را در لطف و رحمت خود داخل نمودیم [زیرا] آنان از نیکوکارانند.

فِي رَحْمَتِنَا (فی: حرف جرّ / رَحْمَه: مجرور به حرف جرّ با کسره -)

مِنَ الصَّالِحِينَ: جار و مجرور به جرّ با (ین - یا)

۲- ﴿وَ ادْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾

معنی: و مرا با رحمت خود در شمار بندگان شایستهات درآور.

بِرَحْمَتِكَ: جار و مجرور ؛ بِ: حرف جرّ ، رَحْمَه: مجرور به حرف جرّ با کسره

فِي عِبَادِكَ: جار و مجرور ؛ فِي: حرف جرّ ، عِبَادِ: مجرور به حرف جرّ با کسره

۳- ﴿وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

معنی: و ما را در برابر کافران یاری کن.

عَلَى الْقَوْمِ: جار و مجرور ؛ عَلَى: حرف جرّ ، الْقَوْمِ: مجرور به حرف جرّ با کسره

۴- ﴿وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾

معنی: و از نشانه‌های او [این است] که شما را از خاک آفرید..

مِنْ آيَاتِهِ

مِنْ تُرَابٍ

۵- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

معنی: ادب انسان از طلای (ثروت) او بهتر است.
مِنْ ذَهَبِهِ

۶- أَلْعَطِرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ .

معنی: عطر زدن از سنت های پیامبران است
مِنْ سُنَنِ

جواب تمرین صفحه ۱۱۷ درس ۸ عربی دهم انسانی

♦ تمرین چهارم_ الرابع

■ تَرْجِمَ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاتِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

کلمات جدول متقاطع را ترجمه کن ، سپس رمز آن را بنویس . (دو کلمه اضافی است)

ص	غ	ا	ر	(۱) کوچک‌ها
ک	ذ	ل	ک	(۲) این‌طور
ح	ا	د	ه	(۳) تیز
ط	ا	ه	ر	(۴) پدیده
ص	ف	ر	و	(۵) سوت زدند
ز	ی	و	ت	(۶) روغن‌ها
د	و	ر		(۷) نقش
س	م	ع		(۸) شنوایی
ر	ا	ئ	ع	(۹) جالب
م	ن	ق	ذ	(۱۰) نجات‌دهنده
س	م	ی	ن	(۱۱) نامیدیم
س	و	ا	ر	(۱۲) دست‌بند
ح	م	ی	م	(۱۳) گرم و صمیمی
ث	ل	و	ج	(۱۴) برف‌ها
ذ	ا	ک	ر	(۱۵) حافظه
ل	ب	و	ن	(۱۶) پستاندار
ط	ی	و	ر	(۱۷) پرندگان
ا	و	ص	ل	(۱۸) رسانید
ا	م	ط	ر	(۱۹) باران بارید
ع	ف	ا		(۲۰) بخشید
ی	ب	ل	ع	(۲۱) می‌رسند
ع	ن	ی	ت	(۲۲) آواز خواندید
ب	ک	ی		(۲۳) گریه کرد

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع):

«الْدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

روزگار دو روز است یک روز به سود تو و روزی به ضرر تو».

۱-کوچک‌ها: صِغَار

۲-این‌طور: كَذَلِكَ

۳-تیز: حَادَّةٌ

۴-پدیده: ظَاهِرَةٌ

۵-سوت زدند: صَفَرُوا

۶-روغن‌ها: زُبُوت

۷-نقش: دَوْر

۸-شنوایی: سَمْع

۱۰-جالب: رَائِع

۱۱-نجات دهنده: مُنْقِذٌ

۱۱-نامیدیم: سَمَّيْنَا

۱۲-دست‌بند: سِوَار

۱۳-گرم و صمیمی: حَمِيمٌ

۱۴-برف‌ها: ثُلُوجٌ

۱۵-حافظه: ذَاكِرَةٌ

۱۶-پست‌انداز: لَبَوْنَةٌ

۱۷-پرندگان: طُيُورٌ

۱۸-رسانید: أَوْصَلَ

۱۹-باران بارید: أَمَطَرَ

۲۰-بخشید: عَفَا

۲۱-می‌رسند: يَبْلُغْنَ

۲۲-آواز خواندند: غَنَّيْتُمْ

۲۳-گریه کرد: بَكَى

جواب تمرین صفحه ۱۱۸ درس ۸ عربی دهم انسانی

♦ تمرین پنجم _ الخامس

ترجم الأحادیث ثُمَّ أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةَ.

معنی: احادیث را ترجمه کن سپس محل اعرابی کلمات رنگی را معین کن.

توجه بخش هایی که به این رنگ هستند جهت یادگیری اضافه کردیم

۱- ذَكَرَ اللهُ شِفَاءَ الْقُلُوبِ.

معنی: یاد خدا شفای دل‌هاست.

ذُكِّرُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / شِفَاءُ: خبر و مرفوع به ضمه
الله: مضاف الیه و مجرور با کسره ، الْقُلُوبِ: مضاف الیه و مجرور با کسره

۲- آفَةُ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ .

معنی: آفت دانش، فراموشی است.

آفَةُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / النَّسِيَانُ: خبر و مرفوع به ضمه
الْعِلْمِ: مضاف الیه و مجرور با کسره

۳- أَجْلِسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ.

معنی: همنشین نیکوکار از تنهایی بهتر است.

أَجْلِسُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

مِنَ الْوَحْدَةِ: جار و مجرور

الصَّالِحُ: صفت و مرفوع با ضمه ، خَيْرٌ: خبر و مرفوع با ضمه

۴- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

معنی: تنهایی بهتر از همنشین بد است.

خَيْرٌ: خبر و مرفوع به تنوین رفع

السَّوِّءِ: صفت و مجرور با کسره

۵- لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ.

زبان مقصر، کوتاه است.

الْمُقْصِرِ: مضاف الیه و مجرور به کسره

قَصِيرٌ: صفت و مرفوع با ضمه

♦ تمرین ششم_ السَّادِسُ

■ تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةَ.

آیه و احادیث زیر را ترجمه کن ، سپس محل اعرابی کلمات رنگی را معین کن

۱- ﴿وَقَالَ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

معنی: کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

الْكَافِرُ: فاعل و مرفوع به ضمه

۲- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

معنی: همنشینی با دانشمندان، عبادت است.

مُجَالَسَةُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

عِبَادَةُ: خبر و مرفوع به تنوین رفع

۳- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ .

معنی: سؤال خوب نصف علم است.

حُسْنُ: مبتدا و مرفوع به ضمه / نِصْفُ: خبر و مرفوع به ضمه

۴- أَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ .

معنی: دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

أَلْعَالِمُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

الشَّجَرِ: جارو مجرور، خبر (مبنی)

۵- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَهُ جَارِيَهُ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ .

معنی: هنگامی که انسان می‌میرد عمل و کار او قطع می‌شود جز سه چیز:

صدقه جاری یا مداوم، یا علمی که از آن سود برده می‌شود یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند.

الْإِنْسَانُ: فاعل و مرفوع به ضمه

عَمَلٌ: فاعل و مرفوع به ضمه

جواب بحث علمی صفحه ۱۱۹ درس هشتم عربی دهم انسانی

ابْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ أَوْ أَمْثَالٍ لَهَا مُعَادِلٌ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، كَالْأَمَثِلَةِ التَّالِيَةِ.

به دنبال آیه‌ها، احادیث یا ضرب‌المثل‌هایی بگرد که معادل آن‌ها در ادبیات فارسی وجود داشته باشد، مانند مثال‌های زیر.

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

بلی صامت سزای جنگ، جنگ است گلوخ انداز را پاداش سنگ است

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند

جواب:

پیامبر(ص): مَا لَا يَدْرَكَ كُلُّهُ لَا يَتَرَكَ كُلُّهُ؛

آنچه را کامل به دست نمی‌آید، نباید به تمامی وانهاد.

معادل در ادبیات فارسی:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید (امثال و حکم، ج ۱، ص ۸)

جواب:

امام صادق(ع): إِذَا رَقَّ الْعَرَضُ اسْتُصْعِبَ جَمْعُهُ؛ (أعلام الدّین، ص ۳۰۳)

جمع کردن آبروی ریخته دشوار است.

معادل در ادبیات فارسی:

آبرویی که ریخته شد نمی‌شود جمع کرد (دوازده هزار مثل فارسی، ص ۵)

جواب:

امام علی(ع): مَنْ شَبَّ نَارَ الْفِتْنَةِ كَانَ وَقُوداً لَهَا؛ (غررالحکم و دررالکلم، ح ۹۱۶۳)

هر کس آتش فتنه برافروزد، خود هیزم آن می‌شود.

معادل در ادبیات فارسی:

آتش اول خودش را می‌سوزاند (قند و نمک، ص ۹)

جواب:

امام علی(ع): إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ (نهج البلاغه ، حکمت ۷۱)

چون عقل کمال یابد ، سخن اندک شود.

معادل در ادبیات فارسی:

دانا چون طبله عطار است خاموش (دوازه هزار مثل فارسی ، ص ۴۹۱)